

به نام هستی بخش

شما عظیم‌تر از آنی هستید که می‌اندیشید (۷)

# ملا نصرالدین زندگی خویشتم

برداشت‌های روان‌شناسانه

از طنزها و لطایف ملا نصرالدین

مؤلف:

مسعود لعلی



## فهرست

۸۴	پرتوقعی	۸۴	مقدمه
۸۶	غیرواقع‌بینی	۸۶	فصل اول: تبیین جایگاه اعتماد به نفس
۸۸	دُم خروس یا قسم حضرت عباس	۸۸	و عزت نفس
۸۹	خودمحوری	۸۹	«قدرت» چیست؟
۹۲	عشق بی قید و شرط	۹۲	عزت نفس و اعتماد به نفس و نظریه قدرت
۹۵	معیار دوستان دغل روز حاجت است	۹۵	
۹۷	همدلی و تفاهم	۹۷	فصل دوم: عزت نفس و پیامدهای
۹۹	مردم اندر حسرت درک درست	۹۹	رفتاری ناشی از آن
۱۰۰	زندگی گرمی دل‌های به هم پیوسته است	۱۰۰	۱ - خودکم‌بینی
۱۰۷	۳ - خودبزرگ‌بینی و خودنمایی	۱۰۷	خودکم‌بینی
۱۰۹	خودبزرگ‌بینی	۱۰۹	قهرمان زندگی کسی باشید
۱۱۴	خودنمایی	۱۱۴	بیماری به همه حق دادن
۱۱۶	لاف زدن	۱۱۶	صراحت‌گفتار
۱۱۷	سکوت، قدرت است	۱۱۷	راهبرد انتساب
۱۲۰	غرور علمی	۱۲۰	خودباختگی
۱۲۳	تحقیر	۱۲۳	از خود بیگانگی
۱۲۶	خُرده‌گیری	۱۲۶	تقلید
۱۳۰	فروتنی	۱۳۰	دهن‌بینی
۱۳۲	تواضع و تکبر در کلام عرفا	۱۳۲	چشم و هم‌چشمی
۱۳۵	۴ - خودکامگی	۱۳۵	۲ - خودخواهی
۱۳۷	قدرت‌طلبی	۱۳۷	خودخواهی
۱۴۲	تهدید و ارباب	۱۴۲	بُخل
۱۴۶	انتقادناپذیری	۱۴۶	همان فرد ایده‌آلی شوید که دوست دارید
۱۵۳	خودکامگی و بدبینی	۱۵۳	با او ازدواج کنید
۱۵۴	ریشه‌های اعتماد و بی‌اعتمادی	۱۵۴	دوست داشتن یا دوست داشته شدن؟

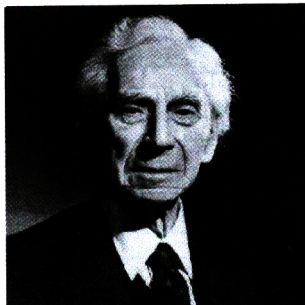


### «قدرت» چیست؟

نزدیک به یک سال است که موضوع «قدرت» تمام ذهن و فکر مرا به خود مشغول کرده است: قدرت چیست؟ مؤلفه‌های آن کدام است؟ انسان قوی چه کسی است؟ چه ویژگی‌ها و خصوصیات رفتاری و احساسی دارد؟ چگونه می‌تواند به قدرت برسد؟ کسب قدرت منجر به چه نتایج و ثمراتی می‌شود؟ آیا رابطه‌ای میان مفهوم قدرت در سیاست، فلسفه، جامعه‌شناسی، مذهب و روان‌شناسی وجود دارد؟

در این مدت تلاش کرده‌ام با کنکاش پیرامون این مفهوم یک نظریه جامع در مورد «قدرت» ارائه دهم. هر چند در این کتاب قصد ندارم به مسئله قدرت بپردازم، اما با توجه به اینکه این موضوع ساختار و شاکله اصلی تفکر و اندیشه مرا تشکیل داده است، تمام مباحث و موضوعات دیگر را در این چهارچوب بررسی و مطرح می‌کنم.

لازم می‌دانم قبل از هر چیز با ارائه توضیحی هر چند مختصر از نظریه قدرت، جایگاه دو موضوع این کتاب را در آن چهارچوب تشریح و بررسی کنم. و بگویم عزت نفس و اعتماد به نفس - که دو محور اساسی این کتاب را تشکیل می‌دهد - چه ارتباط و موقعیتی با موضوع قدرت دارند.



در علوم اجتماعی مفهوم اساسی عبارت است از قدرت؛ به همان صورت که در علم فیزیک مفهوم اساسی عبارت است از «انرژی».

برتراند راسل

### پس نهانی‌ها به ضد پیدا شود<sup>۱</sup>

از آنجا که براساس قانون تضاد هر چیزی را با ضد آن می‌توان شناخت، درک مفهوم قدرت را با بررسی مسئله «نیازها و ضعف» آغاز می‌کنم. با شناخت و درک نیازهای انسان می‌توان به فهم عمیق از قدرت به معنای اصیل آن نایل آمد.

علم روانشناسی دانش تحلیل رفتار است. شاید بزرگ‌ترین دغدغه این علم، کشف و بررسی دلایل شکل‌گیری رفتار انسانی است: آیا ما موجوداتی آزاد، صاحب اراده و مختار هستیم یا اسیر نیروهای پنهان درونی و ناخودآگاه، جبر ژنتیکی، تاریخچه شخصی، مقتضیات زمان و مکانی که در آن زندگی می‌کنیم. سؤال اساسی در روانشناسی انگیزشی این است که چه نیروها و دلایلی ما را به سمت انجام اعمال خاصی سوق می‌دهند؟ براساس نظریه نیازها، انسان دارای خواسته‌هایی است. او دائماً در تلاش است که آنها را محقق کند.

#### کلید درک چرایی رفتار انسان، درک نیازها و امیال اوست.

وقتی حرکت انسان بر بنیاد رفع نیازهایش استوار است سؤال مهم این خواهد بود که نیازهای او چه چیزهایی است؟

### طبقه‌بندی نیازها

مکاتب روانشناسی براساس دیدگاه‌ها و اصول اولیه خود دست به طبقه‌بندی و نظریه‌پردازی در زمینه نیازهای انسانی زده‌اند، اما به نظر می‌رسد که می‌توان کلیه نیازهای انسان را در دو گروه عمده و اساسی گنجانند.

۱- نیازهای مادی (فیزیولوژیک)

۲- نیازهای روانی

### ۱- نیازهای فیزیولوژیک

انسان به‌عنوان یک ارگانیسم زنده و صاحب کالبد جسمانی دارای مجموعه نیازهایی است. او احتیاج به غذا، آب، اکسیژن و... دارد تا بدین وسیله بقایش حفظ و تضمین شود. این نوع از نیازها را نیازهای زیستی و پایه می‌نامند و تعبیر برخی از منابع از این‌گونه نیازها، نیازهای حیوانی است، زیرا بین انسان و حیوان در این زمینه اشتراکاتی وجود دارد.

### زندگی در منطقه داشتن (to have)

#### «داشتن یا نداشتن، مسئله این است»

به این مرحله از تلاش انسان که به رفع نیازهای زیستی و مادی اش محدود می‌شود مرحله «داشتن» می‌گوییم. چرا که در این قسمت تمام تلاش و تکاپوی او صرف به دست آوردن و داشتن می‌شود: داشتن خوراک، پوشاک، سرپناه، شریک جنسی (نیازهای جنسی جزء نیازهای زیستی است)، و در یک کلمه داشتن دارایی. پول... پول از این لحاظ اهمیت دارد که به‌عنوان مهم‌ترین عامل در تهیه ابزار رفع نیازهای زیستی شناخته می‌شود.

در این مرحله زندگی انسان در چهارچوب رفع نیازهای جسمانی اش معنی و مفهوم پیدا می‌کند. به‌زعم کسانی که در مرحله داشتن قرار دارند، «قدرت»، یعنی مالکیت. کسب هر چه بیشتر ثروت، «امنیت»، به وجود می‌آورد. امنیت در این بخش به شکل مادی و فیزیکی (حفظ جان و سلامت) تعریف می‌شود.

«خوشبختی» به معنای بیشتر داشتن است، به‌صورتی که فرد احساس